

حکمت

سال اول - شماره اول
۱۳۱۰ قمری
۱۸۹۲ میلادی
مصر

نامه ۲۴	جنبه ۱	سال هشتم
میران مراسلون	میران مراسلون	میران مراسلون
(وکیل)	(وکیل)	(وکیل)
میرزا محمد موسی خان	میرزا محمد موسی خان	میرزا محمد موسی خان
(وکیل خبری)	(وکیل خبری)	(وکیل خبری)
—	—	—
دیر و دیر روزانه	دیر و دیر روزانه	دیر و دیر روزانه
(حکمت) در مصر	(حکمت) در مصر	(حکمت) در مصر
Ahram	Ahram	Ahram
Al-Ahram M. Mubly	Al-Ahram M. Mubly	Al-Ahram M. Mubly
By Tahrir	By Tahrir	By Tahrir
Direc-tor • Redac-tor	du journal	du journal
I HEGMAT	I HEGMAT	I HEGMAT
on Tahrir Magazine	on Tahrir Magazine	on Tahrir Magazine
—	—	—
این روزنامه طبیعت و فتوح، سلحشور از انتها و اینها که نجف سخن کوشید.	این روزنامه طبیعت و فتوح، سلحشور از انتها و اینها که نجف سخن کوشید.	این روزنامه طبیعت و فتوح، سلحشور از انتها و اینها که نجف سخن کوشید.
آنچه در این روزنامه آورده شود از دست احمد آنچه در این روزنامه آورده شود از دست احمد آنچه در این روزنامه آورده شود از دست احمد	آنچه در این روزنامه آورده شود از دست احمد آنچه در این روزنامه آورده شود از دست احمد آنچه در این روزنامه آورده شود از دست احمد	آنچه در این روزنامه آورده شود از دست احمد آنچه در این روزنامه آورده شود از دست احمد آنچه در این روزنامه آورده شود از دست احمد
۱۳۱۰	۱۳۱۰	۱۳۱۰
—	—	—
۵۷۹۱	۵۷۹۱	۵۷۹۱
تاریخ نویج - خرداد ۱۳۱۰	تاریخ نویج - خرداد ۱۳۱۰	تاریخ نویج - خرداد ۱۳۱۰
۳۰۷۰۶	۳۰۷۰۶	۳۰۷۰۶
عصری	عصری	عصری
پیشگامون پیش	پیشگامون پیش	پیشگامون پیش

به نام ایزد دانا و توانا

کارآگاهان جهان را این داستان روشن است که در هر عصری از اعصار و دهri از دهار ترقی و تمدن گیتی را وسایط چند موجود بوده است که بدان وسایط اهل آن عصر بر مدارج علیا اعتلا جسته تا بر آسوده‌گی خود نایل و بر آبادی کشور خویش افروده‌اند. پس اگر ما منتظر معظم تامل و تدبیر را در دست گرفته، درست بر دقایق و نکات کردار اهل عصور غایره و دهور خالیه تماشا کنیم، خواهیم دید واسطه‌ای که پیشینان را بدان پایه عزت رسانیده و مایه شوکت و عظمت شده است جز از علوم و فنون چیز دیگر نبوده و نخواهد بود که شرح این مقام محتاج به بسط نبوده و اهمیت آن در نزد همه اهل دانش و بیش موضع و مسلم است.

اکنون که ما را نیز داعیه عزت ملت و عظمت دولت و شوکت سلطنت بر سر افتاده و می‌خواهیم که خود را از مهلکه خواری نجات داده و سرسرافرازی و همت بلند کرده و از مجده موصل و فخر موئیل نیاکان خویش یاد آورده، خویشتن را خلف الصدق آنان

دانسته و با ایشان هم شان باشیم پس ناچار از تحصیل آن وسیله بزرگ و واسطه سترگ بوده که به یاوری آنها پی به مقصود خود برده و دامن آن یوسف عزیر گمگشته را به چنگ آورده باشیم.

در این عصر حاضر آن دو وسیله عظماً و راهنمای بینا یکی عالم تدریس و تعلیم و دیگری عالم تحریر و مطبوعات می‌باشد که از هبوب عواصف روابع علوم و مصادمت تیار فنون کره زمین از یکصد سال تاکنون دچار انقلابات عظیمه گشته که درهیچ عصر از این انقلابات به یاد اندر نتوانیم آورد.

در سایه این وسیله گروهی که با دد و دیو همخو بودند در اندک مدتی از درگات تدنی به درجات ترقی ارتقا جسته امروز انموذج کمال و دیباچه معارف و تمثیل انسانیت و عنوان مدنیت شده‌اند.

پس برای اکتساب افتخار و حفظ شرف و بقای ناموس دوده و تبار ناچار از آموختن دانش و فنون و توسعی عالم تحریر و مطبوعات خواهیم بود.

نشر دانش و تعمیم فنون محتاج مساعدت دولت و معاونت ملت بوده که بی‌اتحاد دولت با ملت نتیجه آن عقیم و منتج هیچ ثمره نتواند آمد، به خلاف عالم مطبوعات اگرچه مددکاری دولت مایه تشویق و ترغیب و استحکام بنیان سیاق تحریر و سرعت انتشار آن تواند شد، ولی یاوری ملت قاعده اساسیه این مشروع مقدس بوده که دیده حسرت کشیده این هیکل همایون به سوی آنان نگران است.

اکنون این بند وسیله دوم را که نقشه عالم و مطبوعات است عنوان لوحه افکار خویش نموده به عبارات و جزیه به شرح و بیان آن می‌پردازم.

سبب آبادی جهان و باعث مادی ترقی جهانیان و موجب استواری پایه عزت مردمان همان پرتو آفتاب جهانتاب عالم مطبوعات و تحریر بوده که افق سعی و اجتهاد غیرت و اقدام اهل حمیت تاییده و خدمات مبروره آن در پیشگاه عالم مدنیت به هیچ وجه قابل شک و اشتباه نتواند بود که معلوم آن از قبیل اعلام و تحصیل حاصل بوده، اذهان مطالعین را و هم خامه صدق و اخلاصم را در شرح و بسط نکات دقیقه این مطلب باریک مایه از عاج و اتعاب نتوانم شد.

عامل مطبوعات لسان عمومی عالم مدنیت و مدافع حقوق ملیت و محامي خصایص

حکومت و مترجم امین حسیت و افکار جهان و جهانیان عنوان ریزبینی (میکروسکوب) حقیقی منافع و مضرات عمومیه را مالک بالاستحقاق آمده که حائز اهمیت فوق العاده می باشد.

فرنگستان نتیجه خدمت مطبوعات را اینک دانسته، مطبوعات نیز نظر بدان استعدادات ترقی کامل حاصل کرده، قومیت و ملیت هر جنسی از تقدم آن، گام زن راه راست تمدن و ترقی گردیده اند، الحاصل هر دو طرف دست به دست یکدیگر داده به تعزیز مطبوعات و مطبوعات نیز به تعظیم ملت کوشیده اند.

و بارها این هیکل مقدس شریف مطبوعات نشانه بلایای حوادث زمانیه گردیده ولی با کمال نخوت و ممتازت سینه سپر صعوبات نموده، در تذلیل و تسخیر دشواریها از جان و دل کوشیده، تا از گیرودار این معركه بیمناک رسته با نهایت ناز و تمکین برق فتح و نصرت را ربوده، مظفر و منصور از تندباد گرد کوارث جسته، در پیشگاه جهانیان اثبات استقامت و شجاعت و انانیت نموده است.

آفرین باد بر این همت مردانه او، آری مطبوعات تاریخ حاضر جنبش بشری نبوده، بلکه صورت مصوره سرگذشت جهان و جهانیان است، اما در بیان نمودن حقیقت احوال همان مصوراکبریو می تواند شد.

چنین هم هست

مطبوعات در سایه‌ی امنیت موافقنامه و سهولت ارسالیات و نقلیات عالم مسالمت را یک ثمره لذیذه بوده، معلوماتی را که دانستن آن موقوف بر مساعی و رفع مشکلات و تمادی شهرور و سنین بودی اکنون در لحظه‌ی به آن واحد بدون کلفت و مشقت به مشترکین خود تواند رسانید.

مطبوعات فذلکه علیای مجموعه صحیحه مناسیات دولیه افکار و حسیات مللیه مقاصد عظمای پادشاهان و امرای روی زمین بوده، در نهایت آسانی بدون هیچ اشکالات در توصیل اخبار و قایع شرق و غرب هموطنان و هم مسلکان خود را بدین خدمت منت داشت و آنان را به منزله‌ی یار و فادر بوده و خواهد بود.

مطبوعات رابطه‌ی اتحاد اهل مشرق به مغرب و عروه وثقای اتصال سکان شمال با جنوب و آینه‌ی جهان‌نمای گفتار و کردار عالمیان و مترجم ضمایر آدمیان و واسطه تبادل

افکار و حسیات آنان باشد.

مطبوعات با صفات عالیه تحری حقیقت و نشر فضیلت و مجمع افکار و اخبار ملت و مجلای اراده طرق منفعت، تابع حکم مصنفات و مؤلفات بوده، مانند تصانیف خیریه، دلیل خیر و رهنما پیشرفت امور است، هم در حضور خالق و هم در نزد مخلوق مظہر لطف و تکریم شده و معاذ الله اگر ذرهای مشوب به شائبه اغراض نفسانیه و ره سپاریبابان نفاق و شفاق آید، هم در دنیا و هم در عقبی مستحق لوم و عتاب و سزاوار همه گونه تحفیر و ترزیل بودنش را جای هیچ شبه و ارتیاب نمی‌ماند. مطبوعات دوریه را درجه و اهمیت و اعتنا از پایه مصنفات پست‌تر نبوده، به سبب فعلیت آثار و سرعت انتشار اخبار فوریه در اوقات خود از این جهت مالک اهمیت و اعتبار فوق العاده دیگر است.

مطبوعات از اختراعات جدیده فرنگستان نیست لکن فرنگان حق نعمت مطبوعات را خوب شناخته واز این حق‌شناسی نایل موقیمات و استفادات و استظهارات عظمیه شده‌اند.

نخستین روزنامه که در فرنگستان به نشر آن آغاز شده است آن روزنامه «لافرانس» بوده که مبدأ ظهور و تاریخ حیات آن هنوز به سیصدسال نرسیده است، ولی جریده رسمیه سلطنت فغفوریه و حکومت خاقانیه در شهر پکین (خان بالغ) پایتخت چین از یک هزار و پنج سال مستمر و برقرار است. می‌خواهم بگویم چنانچه مشرق زمین مهد نبوت و رسالت، مظہر غرایب همه گونه حکمت و مظہر عجایب همه قبیل فضیلت بوده است، هم چنان مبتدای طفل وجود جراید و روزنامه‌ها در مهد قدیم امہات کمالات اقطار شرفیه تربیت و پرورش یافته، سن صباوت خود را در آغوش آن مادر مهربان با کمال حسن تربیت و تهذیب اخلاق به سر برده، لکن در آغاز کامرانی از غرور جوانی دل از یار و دیار خویش برکنده، به حسب اقتضای عمر داغ فراق بر دل عزیزان خود زده ولگام سمند جهان پیمای سبک سیر را به سوی غرب منعطف ساخته، اکنون در قصور معالی موفور فرنگستان با عرایس ابکار معانی بلند و با دوشیزگان افکار ارجمند هم آغوش و هم دست آمده است.

تنها به یک مملکت و کشور اکتفا ننموده و به مسکنی یک قصر دلکش اعتنا نکرده، بلکه در اندک مدت درفش تعلق و تعشق خود را بر سر قصر جمیع زیبا رویان معالی و

معانی زده، اکنون با کمال تنعم و رفاهیت به عیش و نوش مشغول است. فی الحقیقه اگر به نظر حکیمانه کیفیت سیر طبیعی آنرا ملاحظه نماییم خواهیم دید که آنرا مرکز دیگر در نظر بوده، بلکه عبارت از یک حکومت مستقله قویه بوده که از متابعت اقوال و مطابع افعالش هیچ گردنکشی نتواند سریچیده و به واسطه قوت و استبداد رای خود چنان نفوذ بر افکار و عقول داشته که به اندک اشاره‌ای کفه تعادل ترازوی اعمال فرنگستان را تمایل داده که از غایت خلجان افکار و اضطراب حواس مرهمنگان (همگان) را نمونه محشر در نظر خواهد آمد.

آری، اگر چنین نبودی اکنون بیرق دول گمنام در اقصی بlad آمریک در غربالاند افراشته نشده و احکام ملل بی‌مایه در آن سوی خط استوا در سواحل دریاچه نیازنا جاری نگردیدی.

این روزنامه مونیخ است که در آلمان چاپ شده ثروت اداره آن به سیزده کروم فرانک رسیده است و این جریده تیمس(تایمز) است که در لندن سالیانه پس از طرح مصارفات مکسب خالص آن به هشتصد و پنجاه هزار لیرای انگلیسی می‌رسد و هر کدام از ممالک صغیره و کبیره فرنگستان حاوی چندین هزار روزنامه روزی و هفت‌مای و ماهی بوده که در انگلستان به چهارهزار و در فرانسه به سه هزار و ششصد و در آلمان دوهزار و پانصد و در آمریک متعدد چهارهزار و سیصد می‌رسد و هم‌چنین دیگر ممالک که مزدوران (کارگران) و اربابه‌رانان را فرصت چاشت نبوده روزنامه‌خوانی را جزو اغذيه شمرده و هم‌چنین وزاری منصب و معزول هر کدام تحریر یک روزنامه را در عهده خویش دارند.

(غامتا) که به یک خطابه مایه انقلاب نقشه فرنگستان بودی، چنین گوید: اینیه آبادی و اساس عمرانیت را سه پایه مین بوده که بدون آن سه ستون توقع ثبات و استحکام از آن بنیان نتوان داشت. اول (روزنامه)، دوم (خطابه)، سیم (تیاتر) که فرنگان در سایه این سه ستون فرمانروای مطلق جهان آمده، ملیت خویش را ثابت و سرفراز و دیگران را اسیر پنجه اقتدار خود نموده‌اند.

پس از آنجایی که در هرچیزی حق بدایت ما را بوده و همچنان در مسلک روزنامه‌نگاری با ثبات بلکه با حقیقت خود مقتدر آمده، فرنگان نیز در این قضیه و در تسليم حق ما به جز از اذعان و اعتراف چاره دیگر ندارند. لکن در روزنامه نویسی اولاً تعیین مسلک، ثانیاً در

آن مسلک ثبات و دوام ورزیدن و جبیهی ذمت روزنامه‌نگاران بوده و اشتراک هم‌وطنان و هم‌رسلکان نیز در این وظیفه مشروعه فکرا و قلما و قلبا از جمله فرایض وطنیت و قومیت شمرده می‌شود.

لهذا بنده درسایه گرانمایه ذات خجسته سمات اعلیحضرت اقدس شاهنشاه خلدالله ملکه که ممالک محروسه ایران احیا شدهی عدالت و رافت آن شهریار فیروزی کاراست در خدمت حکومت و یا در منافع قومیت و ملت از مسمای روزنامه خود که (حکمت) است دوری نجسته با کمال سعی و غیرت و اعتدال مسلک و مشرب از هر جهت مفتر معاونت افکار و اقلام هم‌وطنان خویش بوده، به نام اخوت قومیت و اتحاد جنسیت این افتخار را عین افتخار دانسته و از جمله طبیعت امور این مشروع مقدس خویشتن می‌شمارم.

از آنجایی که از سالیان دراز اندیشه احداث یک روزنامه پارسی نقش خیال عاجزانه‌ام بوده شبان و روزان از این فکر و خیال دور نشده، ولی به حسب ظروف و مکان موانع چند پیدا شده که مرا از اجرای مکنونات ضمیر خویش بازمی‌داشت تا در این اوان که به یاری یزدان موانع مذکوره از میان برداشته شده و از حسن نوایای پاک اعلیحضرت اقدس سلطان عثمانی (عبدالحمید خان ثانی) خلد الله سلطانه در ظل ظلیل والا حضرت خدیبو اعظم (عباس حلمی پاشا) اضاء الله فی الخاقین نَجَمَ سَعْوَدَةُ وَ مَنْتَعَ الْوِجُودَ بِسَامِيٍّ وَجُودَةً خطه دلگشای مصریه رشک فزای گلستان ارم گردیده، لوای جهان گشای علوم و فنون و بیرق معارف و آداب از آدنی ثغور تا اقصی حدود این کشور مینو چهر افراشته شده است، لذا به یاوری ایزد دانا و توانا متوكلا علیه پای همت پیش گذارده بر انشاد و انشاء این روزنامه فرخنده موفق آمده به نام (حکمت) که شیوه‌ی مسلک آنست نامیدم.

شکر خدا که هر چه طلب کردم از خدا بر منتهای مطلب خود کامران شدم.
در این روزنامه از سیاست دول و اخبار ملل، علوم و فنون متنوعه از طبایت و صناعت و تجارت و ادبیات و تاریخ و هیئت سخن خواهم گفت.

و در هر یکی از این مواد مذکوره مسلک حق‌گویی و حق‌جویی و حق‌شناسی را از دست نداده، از جاده انصاف و اعتدال انحراف نجسته، از درج و نشر اهاجی و الغاز و معیمات اجتناب کلی ورزیده، از طبع اوراق مفیده و نامه‌های سودمند خود داری نکرده،



ستون چندی نیز برای سوال و جواب علمیه و فنیه معین نموده‌ام و بنایاً علیه در راه خدمت منافع حکومت و مصالح قومیت در پیشرفت این کار بهروزی یار که بدل حیات و ذخیره عمر تلف شده من است، یاری و یاوری فضایی مشرق زمین را آرزومندم.

آرزوی بزرگ از حضرات مشترکین و مخبرین روزنامه گرامی آنکه در اخبار حوادث و اشعار وقایع تامتهی درجه تحقیق و تدقیق کوشیده از روی اغراض نفسانیت و بی مبالغه (حاشا هم عن ذلك) نوشته نتویستند، بی موجبی، نیک نامان را بدنام و بدنامان را نیک نام نکنند، اگر چه این روزنامه را حسب التسمیه شیوه مخصوصی بوده که سر مویی از آن مشرب دوری نخواهد جست، ولی هموطنان وهم مسلکان راست که نیز بدین صفت متصرف شده که مرا سپاسدار و شکرگذار افضل خود خواهند فرمود.

امضا و مهر اخبارنویسان و وقایع نگاران در اداره محفوظ بوده بدون اذن ایشان به اشهار اسم و رسم هیچ یک از آنان پرداخته نخواهد شد.

امیدوار از ایزد پاک آنم که بر توفیقم افزوده تا در پیشگاه عالم انسانیت از عهده عهد خود برآمده و این روزنامه‌ام در انتظار یار و اغیار، یگانه و بیگانه مطبوع و دلپسند آید. این روزنامه را به یاری خداوند در آینده بر حجمش افزوده تا باعث خشنودی مشترکین و مطالعین گردد. ■

محمد مهدی حکیم

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی





پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتمال جامع علوم انسانی

